

توضیح: متن زیر مذاکرات بین دو سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و بخش مارکسیست شده سازمان مجاهدین خلق ایران است که از روی نوار های صوتی به صورت نوشتار در آمده است.

با سپاس از رفتاری که در امر تبدیل گفتاری آن مذاکرات به صورت نوشتاری، شرکت کردند.
سایت سیاهکل - دسامبر ۲۰۱۰

(نوار شماره چهار - قسمت سوم)

تقی شهرام: و تمام این جریانات التقاطی ای که الان، حتی هنوز هم موجودند، نمونه اش مثلاً هست دیگه. ولی هنوز عناصرش هستند. اینها دیگه نمی توند متشکل بشن. اینا دیگه فاتحه تشکلشون خونده شده. تشکل فقط در یک شکل کاملاً مشخصش، و با، تثبیت شده طبقاتیش، یعنی ماهیت تثبیت شده طبقاتی داشته باشه. و اون هم در شکل های همین واقعاً، مثلاً شکل های خیلی، از نظر ما دگمه، مثلاً فرض کن، مذهبیون، که هستند، و اینها هم پایدارند، تناقض هم ایجاد نمیشه توشون. کارشون هم می کنند. همین مثلاً تیپ های، حتی مثلاً فرض کنید که، این ملایری ها، اسمشون چی ها بودند؟ اینا، کشته شدند،

جواد قائدی: نهایندی ها

تقی شهرام: نهایندی ها مثلاً، این تیپی ها،

جواد قائدی: ابوذر

تقی شهرام: گروه ابوذر مثلاً. این تیپی ها. هستند، به وجود هم میان، و الان هم دارن هم میان. و اینها باقی می موند، مارکسیست هم نمی شن، به قول معروف، امام حسینی میرن جلو و کار هم می کنند و کشته هم میشن و خیلی هم آدم های به قول معروف، کله شقی هم هستند. این تیپی ها. اینها دیگه التقاطی نیستند. اون چیزی که شما بحث می کنید، از این به بعد باید روشن کنید، اگر درباره این سازمان صحبت می کنید؟ این سازمان هنوز ماهیت تثبیت شده طبقاتیشو را پیدا نکرده. در حال نوسانه، در حال التقاطه، و بعد، جریانات لافل اجتماعی، حالا حتی نگیم جریانات مربوط به ما، باید شما را به این رهنمود می کرد که بابا دیگه الان موقعی رسیده که باید، این پیشبینی را بکنیم، ما مجبوریم پیشبینی های مربوط به رژیم را بکنیم. ما باید، مجبوریم پیش بینی کنیم که دو سال پیش، وقتی که نفت قیمتش گرون میشه، ما بفهمیم که تو جنبش ما چه تأثیری می گذاره. و چه تحولاتی بوجود میاره و در آینده اصلاً این چه جوری مثلاً لبه اش برمی گرده به سمت خود رژیم، ما چه استفاده هایی، باید، از نظر سیاسی، یا فلان بهمان بکنیم ارزش. خوب، این سری مسائل وقتی مثلاً واقعاً برای ما ضرورت داره، درکش و فهمش، خوب این مسائلی که نزدیک تر و ملموس تره، برای شما، مافکر کردیم ضرورت داره، و شما، ولی شما ارزش شونه خالی می کنید. شما نمی خواهید بفهمید. شما درواقع خودتونو کنار می کشید. شما درواقع، شاید به یک بیان بدی، مثلاً به منافعتون نیست. نمی دونم، البته به منافع، کمونیستی نیست، نه ها، به منافع مثلاً فرض کن، محدودیت های مثلاً فردی بگیریم. منافع مربوط به فردیه افرادی، کسانی، چیزهایی، یک همچین مقولاتی که الان روش نمیتونیم مثلاً اصلاً صحبتی بکنیم، چون مشخص نیست، همینطوری که همیشه حرفی زد. ولی می فهمیدیم که خوشتون نمیداد، نمی خواهید برخورد کنید، خودتونو ارزش کنار می کشید، برخورد نمی کنید. و این هم، نمونه اش رو گفت این رفیق، که مثلاً از اسفند تا فلان، نزدیک سه ماه ارتباط قطع. ما هی میایم سر علامت میدیم، بعد هم می بینیم که اهمیتی نمی دید. خوب اینطوری شد دیگه، بعد هم میایم تو جلسه می شینیم، این برخورد. باز تیر آخر، به قول معروف، همون قدر که عقلمون می رسه، باز هم به چی می خوره؟ به سنگ می خوره ظاهراً، این، اون جریانات است.

جواد قائدی: حرف ما بطور مشخص اینه که شما نقش خودتونو به تناسب اون پولاریزاسیون زیربنایی انجام ندادید.

حمید اشرف: خوب این نقش را شما چگونه می بینید؟ چه باید می شد؟

تقی شهرام: ما الان، بین، مثلاً، ما فکر می کنیم که شما می تونستید زمینه های مثلاً وحدت، حتی از هرچایی که، شما می گرفتید ضرر نمی کردید. مثلاً فرض کنید که، آقا بیائید کار تکنیکی با هم بکنیم. مهم نیستش که، از همون کار تکنیکی شروع می کردید. دوتا انتقاد می کردید راجع به، مثلاً به، روش مثلاً، آموزش

سیاسی تو گروه تکنیکی ما، خوب حتماً می فهمیدیم دیگه، به دوتا نقطه نظر مثلاً، موجود در اونجا برخورد می شد، متوجه می شدیم. از همینجا به کانالی، مثال می زنم ها، به کانالی پیدا می شد، میومد نظراتون، به مقاله می نوشتید اجباراً چهار تا از بچه ها می خوندد، مجبور بودیم ما به ده نفر دیگه هم بدیم دیگه. خوب، این، یک نقطه نظری می آمد تو سازمان. ما مجبور به موضع گیری بودیم. یک سری چیزهایی یا می فهمیدیم یا نمی فهمیدیم. به عده پیدا می شدند که با حرف شما موافقت می کردند، به عده پیدا می شدند با حرف مخالفتون موافقت پیدا می کردند. این خودش به جریانی ایجاد می کرد، باز دومرتبه میومد طرف شما جواب می دادید، و الی الاخر، مثال ها! به مثال ساده.

جواد قائدی: یک مثال دیگه، پیشنهاد عمل مشترک ما تو اون جلسه، از همین دریچه هم خیلی می تونست مهم باشه.

تقی شهرام: مثلاً، فرض کن.

حمید اشرف: عمل مشترک، ما نمی تونستیم بکنم. اون دفعه، دفعه پیش هم شما طرح کردید، عمل مشترک

تقی شهرام: خوب، حالا عمل مشترک، به دلیل اینکه مثلاً اعلامیه باید بدیم، بعد هم، ممکنه مسائلی ایجاد کنه. ها؟

حمید اشرف: نه، مسئله اون نیست که عمل مشترک در رابطه با خط مشی مشترکه.

تقی شهرام: خوب

حمید اشرف: و ما این مسئله باید روشن بشه که ما خط مشی مشترک داریم یا نه.

تقی شهرام: خوب همین مسئله

حمید اشرف: اصلاً تحلیلمون از جنبش مسلحانه باید مشخص بشه

تقی شهرام: خیلی خوب همین مسئله

حمید اشرف: شما تا به حال هیچ تحلیلی از مبارزه مسلحانه و جنبش مسلحانه ارائه نکردید.

تقی شهرام: بسیار خوب

حمید اشرف: علیرغم اینکه تأییدش می کنید.

تقی شهرام: بسیار خوب

حمید اشرف: و این باید روشن می شد. و عملیاتی هم که

تقی شهرام: اتفاقاً تو این جوابو اونجا نداده بودی. گوش کن. تو اونجا اینو موکول کردی به جریان حزب توده. بین، دو قسمته

حمید اشرف: نه، ما، واسمون همین، اون هم به همین قضیه مربوط می شد

تقی شهرام: آخه شما همش

حمید اشرف: دقیقاً به همین مربوط می شد. بذار توضیح بدم.

تقی شهرام: می دونم، می خوام بگی که مثلاً فرض کن شما تردیدهایی فکر می کردید ما راجع به مبارزه مسلحانه داریم. ها؟ آخه این قضیه چقدر می تونه واقعیت داشته باشه؟ حتی اگر ما بطور علمی هم با مبارزه مسلحانه برخورد نکرده بودیم، یا نمی کردیم، دیگه این نمی تونست معنانش این باشه که ما تردید داشته باشیم نسبت به مبارزه مسلحانه. شما حداکثر این بود، می گفتید خیلی خوب، عمل؟ ما قبول داریم، ولی بذارید یک کمیته برای عمل، حالا همین کمیته است، هرچی، این بیاد، اول معلوم کنیم اصلاً چرا داریم مبارزه مسلحانه می کنیم. از این طریق، تو ما، نقطه نظر درست بیاد بیرون.

حمید اشرف: ببینم، این مسئله ای که ما دفعه پیش، به اصطلاح، با علم کردن موضوع حزب توده داشتیم جنبه عملی داشت

تقی شهرام: خوب

حمید اشرف: طرحش می کردیم، باز در اینجا واقعیت پنهان نشه.

تقی شهرام: ها

حمید اشرف: ما چیز دیگه ای رو می گفتیم. ما گفتیم رفقا بیاید وحدت سیاسی بکنیم.

تقی شهرام: نه، وحدت سیاسی که خوب

حمید اشرف: بیاید وحدت سیاسی بکنیم. شما می گفتید بیاید همکاری عملی

جواد قائدی: شما هم محدودش می کردید به همین.

حمید اشرف: بیاید همکاری عملی بکنیم.

تقی شهرام: نه، اصلاً همچی چیزی نشد.

حمید اشرف: قبل از اینکه ما بیائیم، مسئله همکاری عملی یک چیز تبعی ی. ما اگه خط مشی امون، نقطه نظرهامون به اصطلاح طرح کنیم حتی من گفتم، گفتم ما چه موقع می تونیم طالب رشد شما باشیم؟ چه موقع شما میتونید طالب رشد ما باشید؟ وقتی که اساسی ترین به اصطلاح مسائل خط مشی ایمون با هم خوانایی داشته باشه.

تقی شهرام: آخه بین، یه چیزایی تو داری میگی عجیب

حمید اشرف: و اگر اینا خوانایی نداره، چه همکاری عملی؟

تقی شهرام: آخه چرا خوانایی نداره؟ آخه تو که می گی

حمید اشرف: آها، اینجا بود که در مقابل سوال اینکه میگی چرا، علت پافشاری ما رو مسئله حزب توده، و برجسته کردن اون، این مسئله بود

تقی شهرام: آخه

حمید اشرف: که ما بیائیم، ما فشارمون بر این بود، شما شعار همکاری عملی بکنیم را می دادید

تقی شهرام: آخه

حمید اشرف: ما شعار بیاید نقطه

تقی شهرام: نه، نه

حمید اشرف: خطوط فاصله مونو ترسیم بکنیم را می دادیم.

تقی شهرام: نه، شما اینو می گفتید

حمید اشرف: و اگر دقیقاً می گم الان شما بطور دگم هی پاتونو به زمین می کوبیدید و می گفتید حزب توده، درحالیکه اگر یک آدم آگاهی، این رو بره تو

تقی شهرام: بطن اش بره خیلی خوب

حمید اشرف: بطن مسئله، متوجه اختلاف در اینجا میشه.

تقی شهرام: آخه این که بر ما

حمید اشرف: ما می گفتیم بیاید خطوط سیاسی مون خطوط سیاسی مشترک مون رسم کنیم، شما می گفتید بیاید خطوط تکنیکی مونو رسم کنیم.

تقی شهرام: آخه کی، کدوم آدم عاقلیه که منکر این بشه؟ ما اینو به این شکل حل می کردیم توی خودمون، که ما در یک سری اصول کلی، مثلاً ضرورت مبارزه مسلحانه، حالا مثلاً فرض کنیم، شما که فکر می کردید که ما یک سازمان مذهبی هستیم دیگه. یک سازمان مذهبی هم که به قول معروف، نمیتونه بطور علمی بیاد استراتژی بده دیگه، نیست؟ اون به دلیل خط به اصطلاح همون گرایشات طبقاتیش میاد مبارزه اش را هم میکنه و بعدا هم

حمید اشرف: اما ما به چیزو می خواستیم.

تقی شهرام: خوب

حمید اشرف: در یک چیز که

تقی شهرام: ها

حمید اشرف: بالاخره، وقتی که دو تا

تقی شهرام: چی

حمید اشرف: جریان می خواستن همکاری کنند

تقی شهرام: در چی؟

حمید اشرف: باید یک خطوط مشترکی داشته باشند واسه کارشون دیگه. ما می گفتیم بیائید اون خطوط مشترک را ترسیم کنیم و پای این خطوط مشترک ترسیم شده هم به ایستیم

تقی شهرام: آخه بهتر از اینکه هر دو مون در عمل مسلحانه وارد بودیم؟ از این خط بیشتر؟ ما همون روزش مثلاً عمل کرده بودیم، عمل مسلحانه، مگه میشه یک گروه عمل مسلحانه بکنه، بعدش هم مثلاً فرض کن معتقد به خط مشی سیاسی باشه؟

حمید اشرف: ببینید

جواد قائدی: ما اونجا می گفتیم رفیق

حمید اشرف: صحبت بر سر این نیست.

جواد قائدی: ما عمل بکنیم، اعلامیه اش اصلاً بحثی نیست. ما اصلاً سر اعلامیه اش بحث کردیم که چه چیزی باشه؟

تقی شهرام: عمل که دیگه تناقضی نداشت با کار

جواد قائدی: شما اعلامیه می دادید، ما را مجبور می کردید تو اون اعلامیه ما موضع (نامفهوم...)

حمید اشرف: یعنی چه؟ وقتی که ما پشت اش قبل از عمل، که داره زمینه هاش

تقی شهرام: قبل از عمل توضیح می دادیم.

حمید اشرف: که داره زمینه های ذهنیش آماده میشه، ما توافق نداریم. ما

تقی شهرام: نه. توافق

حمید اشرف: شما فرار می کنید از توافق

تقی شهرام: نه ما فرار نمی کنیم. شما بیائید بگید که آقا جون، شما این را روشن نکردید به طور صریح که ما موافقیم با این طرح به شرطی که رو هدفهای سیاسییش توافق داشته باشیم

بهرروز ارمغانی: به شرط اینکه بیائیم مواضع سیاسی مشترک مون را مشخص کنید. اینو گفتیم دیگه، دقیقاً همینو گفتیم. گفتیم بیاین مواضع سیاسی، چرا میگرد همکاری؟

تقی شهرام: این رفیق هست اینجا. تو توضیح بده، اگر گفتن، واقعاً حق با این رفقااست.

جواد قائدی: اینطوری نبوده، رفیق!

بهرروز ارمغانی: رفیق، ببین، دقیقاً من الان یادم می افته. رفیق صحبت کرد، حتی شما یک جلسه نیم ساعته هم آنراکت خواستید که روش صحبت کنید با هم، یافکر کنید لااقل. رفیق گفت چرا میگوید همکاری نمی دونم، کارهای پیش پا افتاده؟ بیائید رو مواضع

تقی شهرام: خوب معلومه

بهرروز ارمغانی: سیاسی مشترک صحبت کنیم. دقیقاً همینو گفت. رفیق، الان شاید نوارهایش هم شما داشته باشید.

تقی شهرام: حتماً ما نوارهایی داریم که نمی شد، ما نتونستیم گوش بدیم. نوارهای ما خیلی

حمید اشرف: نوارهای ما خوبه، اینجا.

تقی شهرام: نوارهای شما خوبه؟ نوارهای ما خیلی ناجور بود نتونستیم گوش بدیم.

حمید اشرف: داریم ما.

تقی شهرام: خوب حالا به روزی گوش می دیم.

بهرروز ارمغانی: بله. اصلاً گفتیم مواضع سیاسی مشترک. چرا همکاری؟ اون وقته که اگر ما موضع سیاسی مشترک اتخاذ کنیم، دیگه فرق اینکه

تقی شهرام: ببینید

بهرروز ارمغانی: مثلاً یک چیزی شما به ما بدید، یک چیزی ما به شما بدیم، دیگه خیلی روشنه.

تقی شهرام: حرف شما درسته، ببینید، اگر واقعاً، این رفیق اینجا هست، نمی دونم ما باز صحبت می کنیم با رفقا. حرف شما، من فکر می کنم درسته. یعنی الان، این مسئله اگر شما واقعاً طرح کردید راجع به مواضع سیاسی، ما باید این کار رو بکنیم. یعنی اصلاً به کار نادرستی بوده اگه کسی مثلاً میگفته آقا بیا راجع به این بحث نکنیم بریم همینطوری عمل کنیم. این حرف بی خودیه. الان هم ما بخواهیم باهم هر نوع همکاری بخواهیم بکنیم، اول باید مواضع سیاسی مونو مشخص بکنیم.

بهرروز ارمغانی: بله

تقی شهرام: اول شما باید به ما بگید که، بله شما الان، مسلماً، می گید که، آقا مثلاً، هنوز موضع شما مثلاً تو بیانیه به جوری هست دیگه، مثلاً، اشاره شده. آیا مثلاً به سیاسی کارها فلانه. اینه ما باید روشن کنیم برای شما یا ما اینجا اشتباه کردیم یا توضیح می دیم یا اینکه قبول نمی کنیم، پس وحدتی هم نمی تونیم داشته باشیم.

بهرروز ارمغانی: ببین اگر بخواهید (نامفهوم...)

تقی شهرام: این خیلی مشخصه.

بهرروز ارمغانی: جلسه قبل هم، اگه گوش داده باشید نواراشو، وقتی صحبت از این مسئله شد، رفقا گفتند که شما اون موقع از مواضع ضدامپریالیستی با ما برخورد کردید. اصلاً هیچوقت صحبت از طبقات و اینها نشد. همه اش ما را تأیید کردید از مواضع ضدامپریالیستی مون. این فقط جوابی بود که رفقا به ما دادند جلسه قبل.

تقی شهرام: فکر کنم این رفیق الان توضیح باید بده.

بهرروز ارمغانی: گله مند بودند از این که ما چرا با اونا، با رفقا،

جواد قائدی: ما گله مند ما گله نکردیم رفیق.

بهرروز ارمغانی: حالا

جواد قائدی: گفتیم شما از همین موضع

بهروز ارمغانی: حالا انتقاد

جواد قائدی: نه، اصلاً انتقاد هم نکردیم.

بهروز ارمغانی: آها

جواد قائدی: گفتیم شما از همین موضع ما، موضعی که تأیید می کردید ما را، از همین موضع هم می تونستید با ما برخورد کنید.

بهروز ارمغانی: نه گفتید شما با ما برخورد کرده تأیید کردید مواضع ضدامپریالیستی ما را، حتی به این ترتیب می خواستید

تقی شهرام: نه

بهروز ارمغانی: بفهمید که ما موضع پرولتری نداریم.

تقی شهرام: نه رفیق، من اون یادمه. من تو نوار هستش، اینطوری بودش گویا که، اون رفیق گفته بود که شما عوض اینکه بیائید واقعا راجع به مسائلی که خیلی مهمتره اینا بحث کنید، شما گفته بودید که آره تو اون جلسه اولیه، یعنی تو جلسه تابستون اوائله چیز گفته بودید که آره ما موضع ناسیونالیستی شما را مثلا تأیید می کنیم

بهروز ارمغانی: تأیید می کنیم آره

تقی شهرام: و یک همچی حرف هایی زده بودید

بهروز ارمغانی: درسته دیگه

تقی شهرام: و این حرفی که، یعنی درواقع، به این ترتیب، خیال خودتوندر این اینطوری انتقاد می شد به شما که شما در سطح باقی موندید. در

بهروز ارمغانی: درست، ما در سطح باقی موندیم

تقی شهرام: آها اجازه بدید

بهروز ارمغانی: این نظر شماست.

تقی شهرام: آها. این حرفی که اون رفیق زده بود

بهروز ارمغانی: نه، اجازه بده رفیق من یک نتیجه می خواهم بگیرم.

تقی شهرام: بفرما!

بهروز ارمغانی: اون هم اینه که، ما با همون برخورد سطحی خودمون، گفتیم بیائید مواضع سیاسی مشترک داشته باشیم

تقی شهرام: شما حرف درست زدید.

بهروز ارمغانی: و رفقا گفتند که نه

تقی شهرام: ما انتقاد رو قبول می کنیم اگر این طور باشه

بهروز ارمغانی: ما بیائیم به جای اینکه این کار را بکنیم، از بیرون به درون بریم (نامفهوم...)

تقی شهرام: نه

بهرروز ارمغانی: دقیقاً همینو گفتند.

تقی شهرام: نه. اگر این باشه، انتقادو قبول می کنیم ما.

بهرروز ارمغانی: البته میشه اینو نوار اش رو پیاده کرد

تقی شهرام: انتقاد شما درسته، ما برای هر حرکتی اول باید بتونیم مواضع سیاسی مشترک داشته باشیم

بهرروز ارمغانی: مواضع سیاسی مشترک داشته

تقی شهرام: حرف شما کاملاً درسته

بهرروز ارمغانی: بعد اقدام بکنیم.

تقی شهرام: اقدام بکنیم. کاملاً

بهرروز ارمغانی: چون در غیر این صورت

تقی شهرام: ما آدمهای انتریکی که نیستیم که بخواهیم بریم فقط کار بکنیم بدون اینکه بدونیم چه کار می کنیم!

بهرروز ارمغانی: باید بدونیم. در غیر این صورت همکاری هم همکاری نخواهد بود.

تقی شهرام: نخواهد بود. به چیز دلخواه خواهد بود

بهرروز ارمغانی: چون من نمی دونم به چه دلیل دارم به تو این مسئله را می گم و یا

تقی شهرام: احسن!

بهرروز ارمغانی: نمی دانم چرا

تقی شهرام: درسته یعنی اگر واقعاً این مسئله را شما طرح کردید و رفقای ما توجه نکردند، انتقاد به ما وارده.

حمید اشرف: بنابراین لازمه که اون نوار ها را رفقا دو مرتبه تجدیدبرخورد کنند

تقی شهرام: ما برخورد می کنیم باهاش

حمید اشرف: چون اتفاقاً دفعه پیش، رفقا انتقاد می کردند از برخورد اون دفعه، ما گفتیم برخورد ما عوض نشده

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: ما همون برخوردو داریم.

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: یعنی ما، چیزی تو چند ماه گذشته، فلان، ما همان مواضعی را که تو اون جلسه داشتیم

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: جلسه پیش داشتیم، حالاش هم داریم. و این نه به خاطر مثلاً غرور

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: و یا فشاریه به خاطر اصولی که داریم

تقی شهرام: نه، اتفاقاً آدم رو اصول باید پا فشاری کنه، حالا هر چی هم بهش می خواهند بگن، بگن.

حمید اشرف: ما وقتی که طرح می کنیم مثلاً، که آقا، بیائید ما خطوط مشترک سیاسی مونو طرح بکنیم

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: و از برخورد میگم مثلاً حزب توده چون رفقا خیلی بحث رو می پیچوندند، و نمی خواستند

تقی شهرام: نمی خواستند. نگفتند اینو، نگفتند که آقا جون ما به دلیل اینکه

حمید اشرف: بحث خیلی بد شده بود.

تقی شهرام: خیلی بد شده بود. واقعاً

حمید اشرف: دفعه قبل و هم این دفعه، به نظر من بحث های امروز ما خیلی خوبه.

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: چرا؟ چون نه سیاست بازی توشه

تقی شهرام: نه، رک و راست داریم میگیم.

حمید اشرف: رک و راست این نظرات داره طرح میشه

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: و خوب هم هست

تقی شهرام: من گفتم اول جلسه، که ما این انتقاد به اون رفقا گفتیم.

حمید اشرف: دفعه اولش هم پیشنهاد ما همین بود، که رفقا بیاین مسائل طرح بکنیم

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: مسائل مونو. حتی اینو اگر باور بکنید، ما از آغازش هم همینو می خواستیم.

تقی شهرام: بین رفیق

حمید اشرف: که بیاین مسائلی که داریم، هر چی که داریم،

تقی شهرام: رک بگیم

حمید اشرف: رک بگیم،

تقی شهرام: ما این کار را خواهیم کرد

حمید اشرف: حلتش بکنیم

تقی شهرام: ما اینجا خواهیم کرد این کار رو

حمید اشرف: و تنها چیزی که نتیجه بخش میتونه باشه

تقی شهرام: همینه

حمید اشرف: یعنی علیرغم اینکه الان تمام به اصطلاح بدبینی هایی که طرح میشه

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: تو همین جلسه

تقی شهرام: بله

حمید اشرف:، شما می گید که مثلاً شما نمی فهمیدین و شما می گید شما این طور هستید

تقی شهرام: بله به درست میگوید

حمید اشرف: این خیلی اتفاقاً گواراتر

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: و شیرین تر هست از اون که ما بیائیم بگیم که خوب ما که البته شما را تأیید می کنیم، ولی فلان،

تقی شهرام: ولی فلان درسته

حمید اشرف: ولی بیسار

تقی شهرام: بارک الله

حمید اشرف: این جور خیلی بهتره

تقی شهرام: آفرین

حمید اشرف: و نتیجه بخش تر.

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: ما از اولش هم خواهان همین بودیم. اون موقع هم که خواهان انتقاد بودیم

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: دقیقاً یک همچین چیزی رو ، یعنی می خواستیم بیائیم طرح بکنیم مسائل رو.

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: همان موقع البته ممکن بود که اون موقع ما نتونیم، دستمون باز نباشه واسه

تقی شهرام: بله واقعا هم همینه درسته

حمید اشرف: طرح این چیزها را بگیم، دستمون بسته تر بود. ولی باز هم هدفمون این بود که مسائل واقعیت
هایی که هستش

تقی شهرام: توضیح بدیم

حمید اشرف: و ضعف هایی که تو کار وجود داره بیائیم مطرحش بکنیم و انگشت بذاریم روش

تقی شهرام: بین . راجع به اون حرف شما، ما کاملاً موافقیم، اگر که واقعاً این مسئله هست، انتقاد به ما وارده.
به هیچ وجه ما درصدد این نیستیم که بیائیم یک به اصطلاح وحدتی در مثلاً هیچی، اصلاً کشکه، یعنی آدم بره،
به قول ایشون، بره کار بکنه، بعد هم نفهمه چرا کرده، به چه دلیل، و به چه به اصطلاح، هدفی، این کارها صورت
گرفته

حمید اشرف: بنابراین، اینکه طرح مسئله فرماندهی مشترک

تقی شهرام: اصلاً اونا بی خوده، چیزهای بی خودیه

حمید اشرف: و مبادلات نمی دونم اینها باید، اتفاقاً اون دفعه گفتیم به رفقا.

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: گفتم اگر ما، همون دفعه، دو دفعه پیش، گفتم اگر ما دقیقاً احساس نکنیم که نقاط مشترک داریم، و این رو بهش به نتیجه نرسیده باشیم، هر عهدنامه ای هم با هم ببندیم

تقی شهرام: هیچ فایده ای نداره

حمید اشرف: اجراض نمی کنیم.

تقی شهرام: اجراض نمی کنیم.

حمید اشرف: یعنی در عمل اجراض نمی کنیم. چرا؟ چون مرتباً

تقی شهرام: نقض میشه در عمل

حمید اشرف: نقض میشه در عمل، و عوامل مشکوک کننده و اینها وجود داره.

تقی شهرام: به وجود می آید

حمید اشرف: و خود بخود با بهانه هائی که از جنبه عملی داره فضا.

تقی شهرام: درسته

حمید اشرف: و تا وحدت سیاسی، مشخص کردن خطوط مشترک این جنبه را می تونست داشته باشه.

تقی شهرام: درسته! این کاملاً ما، من فکر می کنم که قضیه مشخص کردن خطوط سیاسی، برای این رفقا اینطور جلوه گر شده که باید مقدماً و ابتدا و اساساً روی مثلاً حزب توده بود.

حمید اشرف: نه مسئله حزب توده را

جواد قائدی: به خاطر همکاری با همدیگر

تقی شهرام: یعنی اینطوری جلوه گر شده.

حمید اشرف: نه به اصطلاح چیز اش کردیم

تقی شهرام: یعنی برای ما

حمید اشرف: برجسته اش کردیم. گفتیم که شما مثلاً در مورد همین مورد مشخص. اینو رفقا

تقی شهرام: اصلاً بذارید من به توضیحی بدم. ما واقعاً خودمون خودمونو می خوردیم که نمی تونیم جواب این حزب توده را حسابی بدیم. حتی به مطلبی هم من می تونم در اختیارتون بذارم که ما اون موقع تهیه کرده بودیم برای حزب توده، ولی چون یک موضع مارکسیستی باهاش برخورد شده بود، ما نمی تونستیم اینها را انتشار بدیم.

جواد قائدی: دقیقاً

حمید اشرف: ما در اون موقع یک پیشنهادی کردیم. و الانش هم فکر می کنم که خیلی اصولی بود که شما اون کار را می کردید. چون گفتم، شما که احتیاج نداشتید

تقی شهرام: نه

حمید اشرف: که زست مارکسیستی بگیرد.

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: می خواستید که خودتونو از درون استحاله بدید.

تقی شهرام: درسته

حمید اشرف: با توجه به این مسئله، جواب حزب توده را که ما هم خواستیم چون ما بطور مشخص همون موقع هم که حزب توده اون پیام داد، حساسیت نشون دادیم. حساسیتی که ما نشون دادیم، از لحاظ رفقا شکل دیگه ای تعبیر شد. حتی تو جلسه پیش هم چیز دیگه ای تعبیر شد.

تقی شهرام: درسته

حمید اشرف: و رفقا فکر کردند که ما، از اینکه اتحادهایی به دور از ما، در درون به اصطلاح نیروهای مبارز ضد رژیم می خواد به وجود بیاد، دچار عذاب هستیم.

تقی شهرام: نه، اتفاقا ما

حمید اشرف: در حالی که

تقی شهرام: نه